

نقش‌پذیری زنان در شعر معاصر در مقایسه با زنان معمار و هنرمند دوره‌های تیموری و صفوی

چکیده

جنس زن در شعر و ادب فارسی به‌خصوص ادبیات کلاسیک چهره‌ای منفور دارد و در اشعار معمولاً مورد بی‌مهری گویندگان قرار گرفته و پیوسته در هاله‌ای از ابهام و پوشیدگی است. ولی در شعر معاصر با توجه به تغییر بینش و اندیشه شعرا و ارتقا شعور اجتماعی، زن از جایگاه والایی برخوردار شد و در قالب مدح و ستایش شاعران قرار گرفت. هدف از نگارش این مقاله بررسی نقش‌پذیری زنان در شعر معاصر در مقایسه با زنان معمار و هنرمند دوره‌های تیموری و صفوی است. روش این پژوهش، کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی است. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که در شعر کلاسیک شاعران کمتر از مدح و ستایش زن سخن گفته و بیشتر او را نکوهش کرده‌اند. اما در شعر و ادب معاصر از آن‌جا که تفکرات مردسالاری و مردمحوری تا حد زیادی کاسته شده و زن مورد ستایش و مدح قرار گرفته است و در این دوره ذهنیت غنایی شاعران تغییر کرده و آن‌ها نه تنها زبان به ستایش زن گشوده و در سه سطح واژگانی، دیدگاهی و ادبی زنان توصیفات جدیدی را تجربه کردند که در ادبیات کلاسیک ما اصلاً سابقه ندارد. از سوی دیگر دوره تیموری و صفوی نقطه آغازی برای فعالیت زنان هنرمند و معمار بوده است ولی در تطبیق با دوره معاصر این نقش بسیار کم‌رنگ بوده است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی نقش‌پذیری زنان در شعر معاصر در مقایسه با زنان معمار و هنرمند دوره‌های تیموری و صفوی.
۲. بررسی جایگاه زن در شعر معاصر و هنر دوره تیموری و صفوی.

سؤالات پژوهش:

۱. چه عواملی باعث تغییر نگرش شاعران معاصر به جنس زن شده است؟
 ۲. نقش‌پذیری زنان در شعر معاصر نسبت به زنان هنرمند دوره تیموری و صفوی معلول چه عواملی است؟
- کلیدواژه‌ها:** شعر معاصر فارسی، زنان، نقش‌پذیری، دوره صفوی و تیموری.

مقدمه

زن به‌طور کلی در اجتماع و هم‌چنین در ادبیات فارسی از چهره‌ای چندگانه برخوردار است. به عبارت دیگر، زن در طول زندگی خویش چند نقش مهم را ایفا می‌کند؛ از این منظر، زمانی تجلی‌گاه عشق و دلدادگی است و با سیمایی عاشقانه جلوه می‌کند. البته این عشق و دلدادگی هم قالب عشق معنوی و هم در قالب عشق مجازی و زمینی نمود می‌یابد که بیش‌تر جنبه‌های مادی و جسمانی مدنظر است و در ادبیات از آن سراغ داریم و عشق سیاوش و سودابه و یا زال و رودابه از این نوع هستند و هم‌قادر است در ساختار عشق معنوی ظاهر شود که در این نوع عشق، عاشق یا هر دو — عاشق و معشوق — به جنبه جسمانی و مادی توجه ندارند و معمولاً این عشق‌ها، عشق‌هایی همراه با عفت است و عاشق پروایی از بیان عشق خویش ندارد و به سرعت رنگ عرفانی و روحانی به خود می‌گیرد. هم‌چنین زن گاه معشوق است، زمانی همسر است و در وقتی دیگر در مقام مادری دلسوز و فداکار و مربی تربیتی خانواده، گاه زن مظهر پارسایی و توکل است و زمانی مظهر زهد و پرهیزگاری، گاه مظهر خردمندی و سیاستمداری و میهن‌پرستی است و در جایگاهی دیگر کینه‌توز و فتان. نقش و جایگاه زن در دوره معاصر نسبت به ادوار قبل تفاوت چشمگیری داشت. یک بررسی تطبیقی از این جایگاه در مقایسه با هنرمندان دوره تیموری و صفوی می‌تواند تا حدی تحول در این جایگاه را آشکار سازد.

درباره جایگاه زن در ادبیات تابه‌حال پژوهش‌هایی زیادی نوشته شده و مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی به رشته تحریری درآمده است، ولی درباره همسر و جایگاه وی در شعر فارسی از آغاز تاکنون کار مستقل و جامعی صورت نگرفته است. جعفری و متوسلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «سیمای زن در ادبیات معاصر» می‌نویسند: زن به عنوان قشر لطیف و شکننده جامعه، در ادبیات داستانی ایران، جایگاه ویژه‌ای دارد. هر کدام از نویسندگان معاصر، به فراخور تقاضا و امکانات فرهنگی جامعه زمان خود، این جنس حساس را به گونه‌ای در آثار خود جای داده‌اند. بعضی از این نویسندگان، زن را مانند همان معشوق خوش‌سیما و دلبر عشوه‌گر و طنز ادبیات سنتی تصویر کرده‌اند و گروهی دیگر به رخدادهای اجتماعی و فرهنگی مربوط به زنان پرداخته‌اند. شیرخانی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی جایگاه اجتماعی زن در میان متون ادبی ایران باستان و اعراب جاهلی عرب» می‌نویسند: زن در اجتماع و فرهنگ ملت‌های گوناگون، در تمامی ادوار، جایگاه و موقعیت خاص خود را داشته است. کرمی و جمالی (۱۳۹۶) در مقاله «زن ستایی در شعر فارسی؛ بررسی و تحلیل ستایش ممدوحان زن در قصاید مدحی» بیان داشته‌اند که در کنار حجم انبوه ستایش از مردان، تعدادی از شاعران به مدح زنان نیز پرداخته‌اند. رسولی‌پور و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «جایگاه شناسی ارزش زن (همسر) در شعر معاصر فارسی و عربی» می‌نویسند: یکی از مباحث مهم ادبیات معاصر، توجه به زن و جایگاه وی در خانواده و به تبع آن اجتماع است. نامدار (۱۳۹۲) در مقاله «زن ستایی و زن ستیزی در شعر معاصر ایران و عرب» می‌نویسد: یکی از گفتمان‌های پر قدرت در ادبیات، گفتمان جنسیت است و

با فرض این که زبان و ادب فارسی و عربی از زبان‌هایی است که در چارچوب گفتمان مردسالاری شکل گرفته، به بررسی ریشه‌ها و جلوه‌های زن‌ستیزی در شعر معاصر ایران و عرب پرداخته است.

خافی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی تطبیقی سیمای زن در شعر احمد شاملو و نزار قبانی» می‌نویسد: یکی از موضوعات اساسی شعر معاصر فارسی و عربی توجه به مسائل اجتماعی، سیاسی و غیره... است. زن به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار در اجتماع، پس از دوره بیداری در شعر معاصر مورد توجه ویژه قرار گرفت. درحالی که تا قبل از آن، چندان برای موقعیت و حقوق او اهمیتی قائل نمی‌شوند. ازجمله شاعرانی که موضوع زن و جایگاه او در شعرشان انعکاس یافته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیل با تکیه بر منابع داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

نتیجه‌گیری

هنر و ادبیات در هر جامعه‌ای آینه‌ای برای شناخت جایگاه و وضعیت زن در آن جامعه است. بررسی شعر فارسی از آغاز تاکنون نشان می‌دهد که اگرچه زن پیوسته مورد نکوهش و سرزنش قرار گرفته و چهره‌ای مبهم و مغشوش از خود به جای گذاشته است ولی شاعران بخصوص در شعر کلاسیک از جنس زن کمتر سخن گفته و هرکجا هم که به او اشاره کرده‌اند بسیار محدود و مبهم بوده است و لذا زن در ستایش‌های عاشقانه و شاعرانه جایی نداشته‌اند. اما به مرور که ادبیات فارسی از سنت پای به مدرنیت می‌گذارد اوضاع هم تا حد زیادی تفاوت می‌کند و ذهنیت غنایی شاعران تغییراتی را تجربه می‌کند. مردسالاری و مردمحوری گذشته کم رنگ می‌بازد و زنان تا حدی جایگاه اجتماعی خویش را باز می‌یابند و این تغییرات باعث می‌شود که نگرش شاعران به زن هم تغییر یابد. در شعر معاصر زن در جایگاه معشوق در شعر قرار می‌گیرد و در سه سطح واژگانی، دیدگاهی و ادبی عاشقانه ستایش می‌شود و حتی شاعر نام وی را هم ذکر می‌کند. مقایسه این شرایط با وضعیت زنان هنرمند در دوره تیموری و صفوی حاکی از پیشرفت چشمگیر وضعیت زنان است.

منابع

- آژند، یعقوب. (۱۳۹۵). نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران). ج ۱، تهران: سمت.
- آقاجانی اصفهانی، حسین؛ جوانی، اصغر. (۱۳۸۶). دیوارنگاری عصر صفوی در اصفهان کاخ چهلستون. تهران: فرهنگستان هنر.
- احتشامی، خسرو. (۱۳۹۴). مهتاب در قلمرو شب. تهران: سوره مهر.
- اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۹). زمستان. تهران: مروارید.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۹۳). دیوان. تهران: مهرآوید.
- براهنی، رضا. (۱۳۶۳). تاریخ مذكر. تهران: اول.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۸۷). دیوان ملک‌الشعراى بهار. تهران: نگاه.
- بهبهانی، سیمین. (۱۳۹۱). مجموعه اشعار، تهران: نگاه.
- بهمنی، محمدعلی. (۱۳۸۵). گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود. تهران: دارینوش.
- توللی. (۱۳۸۰). روشن‌تر از خاموشی. به کوشش مرتضی کاخی. تهران: آگه.
- جامی. نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۸۷). هفت اورنگ. تصحیح و تحقیق اعلان خان افصح‌زاده و حسین احمد تربیت، تهران: مرکز مطالعات ایرانی.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۸۶). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.
- رسولی‌پور، رسول؛ روشن، محمد و نیک اندام، شاپور. (۱۳۹۵). «ارزش‌شناسی جایگاه زن (همسر) در شعر معاصر فارسی و عربی (با رویکردی انتقادی بر دیدگاه فیمینست اگزیستانسیالیستی دوبار»». کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)، شماره ۲۲، ۲۳ - ۴۷.
- روزبه، محمدرضا. (۱۳۸۳). شرح، تحلیل و تفسیر شعر نو فارسی. تهران: حروفیه.
- شاملو، احمد. (۱۳۸۴). مجموعه اشعار. تهران: انتشارات نگاه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۷). ادوار شعر فارسی (از مشروطیت تا سقوط سلطنت)، تهران: نشر سخن.
- شیرازی، سعید. (۱۳۹۵). ۹۹ نکته. تهران: شرکت کتاب.
- صهبا، ابراهیم. (۱۳۴۱). دفتر صهبا. چاپ دوم، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- عقیقی بخشایش، عذرا. (۱۳۷۵). هنر خط و زنان خوشنویس در تمدن اسلامی. تهران: نشر آذربایجان.
- فرخزاد، پوران. (۱۳۷۸). داشنامه زنان فرهنگ ایران و جهان (زن از کتیبه تا تاریخ). تهران: زریاب.
- مدرسی، فاطمه و کاظم‌زاده، رقیه. (۱۳۹۰). آزادی، عنصر غالب غزل‌های نمادین منزوی، نشریه ادبیات پایداری دانشگاه کرمان، دوره ۲، شماره ۴، ۵۶۴ - ۵۴۵.

مصدق، حمید. (۱۳۸۶). مجموعه اشعار. تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.

منزوی، حسین. (۱۳۸۷). از ترمه تا تغزل. چاپ پنجم، تهران: روزبهان.

منزوی، حسین. (۱۳۸۷). حنجره زخمی تغزل. چاپ دوم، تهران: آفرینش.

منزوی، حسین. (۱۳۷۱). با عشق در حوالی فاجعه. تهران: نشر پاژنگ.

یاسمی، بهروز. (۱۳۹۶). عاشقی جرم قشنگی‌ست. تهران: چشمه.

یزدانی، زینب. (۱۳۷۸). زن در شعر فارسی، دیروز - امروز. تهران: فردوس.

یوشیج، نیما (۱۳۸۰)، دیوان اشعار. به کوشش سیروس طاهباز، تهران: نگاه.